

## «سانت» (sonnet) در شعر فارسی

حسین بخشی\*

### چکیده

برخی از شاعران و نظریه‌پردازان تجلّد ادبی در ایران اواخر عصر قاجار برای نخستین‌بار از قالب‌هایی برای سرودن شعر استفاده کردند که ریشه در ادبیات اروپا داشت. یکی از این قالب‌ها که از قالب‌های بسیار مهم و رایج تقریباً سراسر اروپا در طول چندین قرن به‌شمار می‌آمد قالب سانت (sonnet) بود. این قالب شعری، که در فارسی به «غزل» و «غزل‌واره» ترجمه شده است، از جهت تعداد مصرع‌ها اندازه مشخصی داشت و دراصل برای سرودن اشعار عاشقانه به‌کار می‌رفت. بسیاری از شاعران بزرگ اروپا هم‌چون شکسپیر، اسپنسر، بودلر، و مالارمه شاه‌کارهایی در این قالب سروده‌اند. سانت از قرن سیزدهم در ایتالیا شروع شد و سپس تقریباً در تمام اروپا مورد استقبال گسترده قرار گرفت، اما شاعران هر سرزمینی تغییراتی در آن ایجاد کردند که همین امر باعث شکل‌گیری انواع مختلفی از این قالب شعری شد. با این حال، سه نوع آن بیش‌ترین اهمیت را دارند؛ این سه نوع با عناوین: سانت ایتالیایی یا پترارکی، سانت فرانسوی، و سانت انگلیسی یا شکسپیری شناخته می‌شوند. شاعران مکتب تجلّد در تبریز، هم‌چون تقی رفعت و جعفر خامنه‌ای، مهم‌ترین شاعران تجلّدخواه دهه نود قرن سیزدهم شمسی بودند که به‌دلیل آشنایی با ادبیات اروپا برای نخستین‌بار شعرهایی به زبان فارسی منتشر کردند که در این قالب اروپایی سروده شده بود. هدف از جستار حاضر معرفی و بررسی این قالب شعری و نمونه‌های فارسی آن است.

**کلیدواژه‌ها:** شعر اروپا، سانت، تجلّد، شعر فارسی.

---

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان، bhossein@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

## ۱. مقدمه

در دهه نود قرن سیزدهم هجری شمسی، مهم‌ترین مرکز تجلّد ادبی ایران شهر تبریز بود. این شهر و به‌طور کلی آذربایجان، به‌دلیل همسایگی با روس و عثمانی، زودتر از دیگر نقاط ایران وارد دنیای تجلّد شد که علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، اشتراک زبانی نیز در این زمینه نقش زیادی داشت.

تجدد در ادبیات نیز از این مقوله برکنار نبود. در این زمان، تبریز مهم‌ترین مرکز افکار تجلّدخواهانه در حوزه ادبیات بود. در جریان قیام شیخ محمد خیابانی دو نشریه مهم تجلّد و آزادیستان به‌همت تقی رفعت «که نخستین تئوریسین و نخستین منادی شعر نو بود» (شمس لنگرودی ۱۳۸۴: ۴۹) در این شهر منتشر می‌شد که نخستین نمونه‌های شعر نوی فارسی به‌همراه مباحث فراوان در موضوع لزوم انقلاب ادبی، به‌صورتی بسیار جدی، در آن‌ها منتشر می‌شد.

مخصوصاً نشریه تجلّد در این زمینه لحن بسیار تندی داشت و رفعت در تلاش بود تا انقلابی در ادبیات ایران به‌راه اندازد. یکی از تلاش‌های رفعت و همکاران و هم‌قلمان او سرودن شعرهای جدیدی بود که می‌کوشیدند طبق تئوری‌هایی که در زمینه تجلّد ادبی در همین نشریات منتشر می‌کردند نمونه‌هایی را نیز به‌صورت عملی ارائه دهند.

در این قبیل نشریه‌ها، برای نخستین بار، اشعاری به زبان فارسی منتشر شد که از جهت فرم شعری خارج از چهارچوب قواعد شعر سنتی فارسی بود و هیچ‌گونه شباهتی به انواع مختلف شعر کلاسیک ایران نداشت (به‌جز وزن). تمامی مصرع‌های این اشعار به‌شکل عمودی و زیر هم نوشته می‌شدند، قافیه‌چینی کاملاً متفاوتی داشتند، و از بندهای مختلفی تشکیل می‌شدند. این شعرها درحقیقت در قالب‌های شعری اروپایی سروده شده‌اند و هرکدام نام خاص خود را دارند.

بسیاری از محققان ایرانی که شعر این دوره را بررسی کرده‌اند نتوانسته‌اند فرم و قالب اصلی این قبیل شعرها را بشناسند و فقط به متفاوت‌بودن این اشعار با سنت شعر فارسی پرداخته‌اند و گاهی هم از این تفاوت‌ها ابراز تعجب کرده‌اند. شاید بتوان یحیی آرین‌پور را برجسته‌ترین محقق در حوزه شعر مشروطه دانست که اثر ارجمند خود، *از صبا تا نیما*، را در این حوزه تألیف کرد. ایشان در این کتاب وقتی نمونه‌های شعری کسانی مثل رفعت و جعفر خامنه‌ای را می‌آورد آن‌ها را با عنوان «قطعه» معرفی می‌کند. از جمله درباره خامنه‌ای می‌نویسد: «از شکل معمول اشعار فارسی عدول کرده و قطعاتی بی‌امضا با قافیه‌بندی جدید و بی‌سابقه ... انتشار می‌داد» (آرین‌پور ۱۳۵۴: ۴۵۳).

مسئلهٔ تعجب‌آورتر این‌که حتی کسی مثل ادوارد براون نیز شعری از خامنه‌ای را با عنوان «قطعه شعر کوتاه» در یکی از آثار خود آورده و در توضیح آن نوشته است: «از حیث شکل شایان توجه می‌باشد، یعنی از لحاظ شیوهٔ شعری (بحر و قافیه)، از سبک متقدمین منحرف شده است» (براون ۱۳۸۶: ۲۴۷)، در حالی‌که این قالب شعری و شکل قافیه‌چینی آن سابقهٔ دیرینه‌ای در شعر اروپا، مخصوصاً انگلیس، داشت و عجیب است که براون نتوانسته است آن را تشخیص دهد.

در جستار حاضر، که به‌روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است، خواهیم کوشید تا دربارهٔ یکی از قالب‌های مهم شعر اروپا به‌نام سانت (sonnet)، که شعرای انقلابی و تجدیدخواه دههٔ نود قرن گذشتهٔ شمسی در آن شعر سرودند و تلاش‌های فراوانی برای انقلاب ادبی در روزگار خود کردند، صحبت کنیم و هویت این قبیل شعرها را به‌دست دهیم. دانستن این‌که «اشعار جدید» این دوره طبق کدام سنت ادبی سروده شده‌اند، در چه قالب‌هایی هستند، و این قالب‌ها در کدام ادبیات ریشه دارد مسئلهٔ مهمی است و ما برای فهم جریان تحول شعر خود ناگزیر از طرح و بررسی آن هستیم.

موضوع حاضر برای نخستین‌بار به‌صورتی جدی در این مقاله مطرح می‌شود و طبق بررسی‌هایی که انجام دادیم، فقط به دو تن از محققان که فرم این قبیل اشعار را بازشناخته‌اند برخوردیم که آن‌ها هم به‌صورتی گذرا فقط نامی از این نوع شعر آورده‌اند و هیچ‌گونه بحث مبسوط یا مجملی در این‌باره انجام نداده‌اند که آن دو نیز اثر خود را دراصل به زبان انگلیسی نوشته‌اند:

- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴)، *طبیعهٔ تجدید در شعر فارسی*، ترجمهٔ مسعود جعفری، تهران: مروارید.

- اسحاق، محمد (۱۳۷۹)، *شعر جدید فارسی*، ترجمهٔ سیروس شمیسا، تهران: فردوس.

## ۲. سانت چیست؟

سانت (sonnet)، که آن را در زبان فارسی به «غزل‌واره» (داد ۱۳۹۰: ۳۵۴) و «غزل» (ابجدیان ۱۳۸۷: ۱۲۳) ترجمه کرده‌اند و گاهی نیز به همان شکل سانت و نیز «سانه» به‌کار برده‌اند (داد ۱۳۹۰: ۳۵۴)، یکی از قالب‌های بسیار مهم در شعر اروپاست. ابرمز در کتاب *A Gglossary of Literary Terms* سانت را این‌گونه تعریف کرده است: «شعری است غنایی که از یک بند چهارده‌مصراعی آیمیک تشکیل شده است و این مصرع‌ها با یک نظام

قافیه‌ای به هم‌بافته با یک‌دیگر مربوط می‌شوند» (Abrams 2006: 299). منظور از «نظام قافیه‌ای به هم‌بافته» انواع خاصی از قافیه در شعر اروپاست که در خلال بحث بدان‌ها اشاره خواهد شد.

این قالب شعری در اصل به ادبیات کشور ایتالیا تعلق دارد و نخستین بار شاعران این کشور در چنین قالبی شعر سرودند. بنیان‌گذاران سانت پترارک و دانته در قرن سیزدهم میلادی بودند (داد: ۱۳۹۰: ۳۵۴) که البته این قبیل شاعران نیز «با الهام از اشعار غنایی تروبادورهای فرانسه» بدان شکل دادند (ابجدیان ۱۳۸۷: ۱۲۵). پترارک، «متنفذترین غزل‌سرای غرب»، سانت را تبدیل به قالب مخصوص شعر عاشقانه کرد (همان: ۱۲۳). یکی دو قرن پس از پترارک این قالب شعری به حوزه ادبیات دیگر کشورهای اروپایی نیز راه یافت. البته سانت در ورود به حوزه شعر کشورهای دیگر فرم اصلی خود را به طور کامل حفظ نکرد و تحولاتی به خود دید که همین تحولات سبب شد اشکال گوناگون سانت به وجود بیاید.

توماس ویات و ارل آوسری سانت را به ادبیات انگلستان معرفی کردند که پس از آن‌ها بزرگ‌ترین سانت‌سرایان عصر رنسانس یعنی سیدنی، اسپنسر، و شکسپیر ظهور کردند (همان: ۱۴۳). این قالب شعری در این کشور مورد استقبال وسیعی قرار گرفت، اما همان‌گونه که اشاره شد، تحولاتی نیز به خود دید. سانت در انگلستان با شکسپیر به اوج خود رسید و در واقع شکسپیر به بزرگ‌ترین سانت‌سرا در تمامی تاریخ ادبیات انگلیس تبدیل شد (همان: ۱۸۶). در مقام مقایسه، می‌توان گفت همان جایگاهی را که حافظ در غزل فارسی دارد شکسپیر در سانت یا غزل‌واره انگلیسی دارد.

سانت، پس از انگلستان، به ادبیات کشور فرانسه راه یافت که در آن‌جا نیز با اقبال و استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و شاعران فرانسه از این قالب به عنوان یکی از قالب‌های اصلی اشعار خود استفاده کردند که از نمونه‌های برجسته آن می‌توان بودلر و مالارمه را نام برد. سانت در این کشور نیز با دگرگونی‌هایی همراه شد که آن را از نوع ایتالیایی و انگلیسی متمایز می‌کرد. این قالب شعری به ادبیات ملل دیگر اروپا نیز راه یافت و انواع فراوانی از آن به وجود آمد.

مهم‌ترین عامل متمایزکننده بین اشکال گوناگون سانت تفاوت آن‌ها در نظام قافیه مصراع‌هاست. همان‌گونه که گفتیم، انواع فراوان سانت در شعر اروپا به وجود آمد، اما در میان همه آن‌ها سه نوع سانت از بقیه مهم‌تر است. این سه نوع متعلق به همان سه کشوری است که از آن‌ها نام بردیم و معمولاً با این عناوین شناخته می‌شوند:

- سانت ایتالیایی یا پترارکی (The Italian or Petrarchan Sonnet)؛
- سانت انگلیسی یا شکسپیری (The English or Shakespearean Sonnet)؛
- سانت فرانسوی (The French Sonnet).

برای نشان دادن تفاوت‌های این سه نوع سانت آن‌ها را به صورت نمودار زیر نشان می‌دهیم:

سانت ایتالیایی	سانت فرانسوی	سانت انگلیسی
-----a	-----a	-----a
-----b	-----b	-----b
-----b	-----b	-----a
-----a	-----a	-----b
-----a	-----a	-----c
-----b	-----b	-----d
-----b	-----b	-----c
-----a	-----a	-----d
-----c	-----c	-----e
-----d	-----c	-----f
-----e	-----d	-----e
		-----f
-----c	-----e	
-----d	-----d	-----g
-----e	-----e	-----g

#### نمودار ۱.

همان‌طور که پیش از این گفتیم و در نمودارها نیز آشکار است، این سه نوع سانت در شعر سه کشور اروپایی با اختلافات و تفاوت‌هایی که در چینش قوافی دارند از یکدیگر متمایز شده‌اند.

در دو نوع ایتالیایی و فرانسوی شاهد این هستیم که قافیه کواترین‌ها (quatrain: رباعی) «قافیه حلزونی» است. قافیه حلزونی نوعی قافیه‌بندی در شعر اروپاست که در آن «مصرع‌های ۱ و ۴ مصرع‌های ۲ و ۳ را احاطه کرده، در بر می‌گیرند» (بخشی ۱۳۹۳: ۷). کواترین دوم نیز با کواترین نخست هم‌قافیه است. این دو نوع سانت تا این جای کار، یعنی در اکتاوها (octave: دسته هشت مصراعی)، کاملاً یکسان و شبیه به هم هستند، اما آنچه باعث تفاوت این دو نوع سانت می‌شود تفاوت قافیه‌بندی در سستت‌ها (sestet: دسته شش مصراعی) است که در نمودار مشخص است و نیازی به توضیح نیست.

اما سانت شکسپیری با دو نوع دیگر تفاوت‌های بیش‌تری دارد. همان‌گونه که در نمودار نیز مشخص است، این سانت علاوه‌بر چینش قافیه‌ها در ساختار کلی نیز تفاوت‌هایی با دو نوع دیگر دارد. سانت شکسپیری، برعکس دو نوع دیگر که از دو کواترین و یک سستت تشکیل شده‌اند، سه کواترین و یک کاپلت (couplet: مثنوی) دارد. نوع قافیه در کواترین‌ها نیز، برعکس نوع فرانسوی و ایتالیایی، «قافیه چلیپا» است. قافیه چلیپا «گونه‌ای از قافیه‌بندی است که در آن مصرع‌ها یکی در میان: مصرع‌های فرد با هم و مصرع‌های زوج نیز با یک‌دیگر تشکیل قافیه می‌دهند. معمولاً در این نوع قافیه‌بندی چهار مصرع وجود دارد که در آن مصرع‌های ۱ با ۳، و مصرع‌های ۲ با ۴ قافیه می‌سازند» (همان: ۳). تفاوت دیگر سانت شکسپیری با دو نوع دیگر این است که کواترین‌ها با یک‌دیگر هم‌قافیه نیستند.

فرق دیگر انواع سه‌گانه سانت فوق تفاوت آن‌ها در تعداد هجاها (syllable) است. هر مصرع سانت در نوع ایتالیایی یازده، نوع فرانسوی معمولاً دوازده، و در نوع انگلیسی ده هجا دارد (Drabble 2000: 950).

در سانت، قسمت‌های مختلف شعر نقش خاصی برعهده دارد؛ مثلاً در سانت پترارکی «اکتاو بیان‌گر موقعیت و سستت نظریه، اکتاو بیان‌گر تفکر و سستت مثال، یا اکتاو بیان‌گر سؤال و سستت جواب است» (پرین ۱۳۷۹: ۲۰۹)، یا در سانت شکسپیری سه کواترین «می‌توانند بیان‌گر سه مثال و دو مصرع آخر بیان‌گر یک نتیجه‌گیری، یا سه گفته استعاری از یک عقیده و یک درخواست باشد» (همان: ۲۱۰). در این نوع از سانت، دو مصرع پایانی درون‌مایه اصلی شعر را در بر دارد (Stephen 1984: 81). سانت از این نظر شبیه بعضی قالب‌های شعر فارسی، هم‌چون رباعی، است که در آن سه مصرع نخست در حکم مقدمه و مصرع پایانی در حکم نتیجه‌گیری است.

برای آشنایی بیش‌تر با قالب شعری سانت یکی از سانت‌های شکسپیر را از نظر می‌گذرانیم:

Cupid laid by his brand, and fell asleep,  
A maid of Dian's this advantage found,  
And his love-kindling fire did quickly steep  
In a cold valley-fountain of that ground:  
  
Which borrowed from this holy fire of love,

«سانت» (sonnet) در شعر فارسی ۷

A dateless lively heat, still to endure,  
And grew a seething bath, which yet men prove,  
Against strange maladies a sovereign cure:

But at my mistress' eye Love's brand new-fired,  
The boy for trial needs would touch my breast,  
I, sick withal, the help of bath desired,  
And thither hied, a sad distempered guest.

But found no cure: the bath for my help lies,  
Where Cupid got new fire; my mistress' eyes.

(Callaghan 2007: 72)

به اعتقاد بعضی از محققان ایرانی، شباهت‌های فراوانی میان سانت و غزل فارسی وجود دارد که از جمله شباهت در تعداد مصراع‌ها در هر دو نوع شعر و نیز اختصاص هر دو قالب به مضامین عاشقانه در آغاز امر و سپس ورود مباحث عرفانی، سیاسی، و اجتماعی به آن‌ها در دوره‌های بعد را ذکر کرده‌اند (صورتگر ۱۳۸۴: ۲۵۹).

### ۳. سانت در شعر فارسی

اولین شعر فارسی که در قالب سانت سروده شده و به دست ما رسیده است متعلق به جعفر خامنه‌ای است. تاریخ دقیق سرایش این شعر مشخص نیست. آراین‌پور این سانت (یا به قول خود او «قطعه») را در کتاب *از صبا تا نیما* نقل کرده و در پانوشت نوشته است که «تاریخ صحیح این قطعه بر من معلوم نیست و مسلماً پیش از سال ۱۳۳۲ ق سروده شده است» (آراین‌پور ۱۳۵۴: ۴۵۴) و در ادامه به تاریخ انتشار کتاب ادوارد براون با عنوان *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* استناد کرده و نوشته است: «کتاب براون که این شعر را دارد در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۲ ق) منتشر گردیده است» (همان). از آن‌جاکه این سانت نخستین شعر یا از نخستین شعرهایی است که با الگوبرداری از یک قالب شعر اروپایی به فارسی سروده شده است، اهمیت تاریخی زیادی در ادبیات ما دارد. سانت خامنه‌ای این است:

هر روز به یک منظر خونین به در آیی  
هر دم متجلی تو به یک جلوۀ جانسوز  
از سوز غمت مرغ دلم هر شب و هر روز  
با نغمۀ نو تازه کند نوحه سرایی

ای طلعت افسرده و ای صورت مجروح  
آماج سیوف ستم، آه ای وطن زار  
هر سو نگریم خیمه زده لشکر اندوه  
محصور عدو مانده تو چون نقطه پرگار

محصور عدو، یا خود اگر راست بگویم  
ای شیر، زبون کرده تو را روبه ترسو  
شمشیر جفا آخته روی تو ز هر سو  
تا چند بخوایی؟ بگشا چشم خود از هم

برخیز یکی صولت شیرانه نشان ده  
یا جان بستان یا که در این معرکه جان ده

(همان: ۴۵۳-۴۵۴)

این شعر با هیچ یک از سانت‌های اروپایی انطباق کامل ندارد. با این حال، شباهت‌های بسیاری به سانت شکسپیری دارد. مهم‌ترین وجه اشتراک این شعر با سانت شکسپیری این است که مثل آن از سه کواترین و یک تک بیت پایانی تشکیل شده است. با این حال، کواترین اول و سوم آن، برعکس سانت شکسپیری، نه به شکل چلیپا، بلکه به صورت حلزونی قافیه بسته شده است.

پیش از این، دربارهٔ نشریهٔ تجلّد و اهمیت آن در پی‌ریزی مباحث مربوط به انقلاب ادبی صحبت کردیم. اما از میان شماره‌های مختلف روزنامهٔ تجلّد، یک شماره از جهت ادبی بسیار مهم است و آن «شمارهٔ فوق‌العادهٔ نوروز یونت ئیل ۱۲۹۷» است. این شماره در چهل صفحه منتشر و مدت‌ها پیش از موعد انتشار در شماره‌های قبلی دربارهٔ آن با عبارات «مقالات سودمند - اشعار جدید» تبلیغ می‌شد.



شاید بتوان به جرئت گفت که در تاریخ معاصر ادبیات ایران بزرگ‌ترین «عصیان ادبی» و تلاش برای در انداختن طرح یک نظام جدید ادبی، پیش از نیمه، به واسطه همین شماره نشریه تجلّد صورت گرفته است. در این شماره از این نشریه، مقاله‌ای به قلم خود رفعت منتشر شده است که «یک عصیان ادبی» نام دارد. رفعت، در این مقاله، ضمن تأیید مطالب و مباحث مقاله دیگری با نام «مکتب سعدی»، منتشر شده در روزنامه *زبان آزاد* به تاریخ ۲۰ ربیع‌الأول ۱۳۳۶ قمری، به بیان دیدگاه‌های خود درباره ادبیات کلاسیک ایران و لزوم انقلاب ادبی می‌پردازد.

در این شماره از تجلّد، هفت شعر به سبک جدید و در قالب‌های جدید منتشر شده که از این تعداد پنج شعر در قالب سانت سروده شده است. شاعر چهار تا از این سانت‌ها خود رفعت و سراینده یک سانت باقی مانده جعفر خامنه‌ای است. سانت اول و دوم، هردو، از رفعت در یک صفحه و در دو ستون در کنار هم آمده‌اند. این سانت‌ها «نوروز و دهقان» نام دارند. سانت نخست چنین است:

نوروز، روزگار تکان می‌دهد همی  
بانوج بخت را شب و روز اندر آسمان  
یک شب به ماه می‌رسد اقبال شایگان  
روزی در آفتاب هویداست خرمی  
امسال گفته بود: «ندارم دگر غمی»  
دهقان نیک‌بین به حفیدان خود نهان  
راهی گرفته پیش به دل خواه خود زمان  
جبران ماجرا شود از بیش یا کمی

نوروز، چون شد اندر ارومی بنات جم  
با حکم نینوایی شوریده قتل عام  
دهقان آذری ز نو آفته شد به غم

(نشریه تجلّد ۱۲۹۷: ۴)

با اندکی دقت، متوجه می‌شویم که این شعر دقیقاً با الگوی نوع فرانسوی سانت سروده شده و از همان الگوی قافیه تبعیت کرده است: abba-abba-ccd-ed. سانت دوم نیز

مثل سانت نخست است و همان الگوی قافیه در این سانت نیز رعایت شده است. برای عدم تطویل کلام، تنها مصراع نخست این شعر را می‌آوریم:

پیغام زندگی به طبیعت رسید شاد ...

سانت سوم «امید استقبال» نام دارد و «به عنصر جوان ایرانی» تقدیم شده و سراینده آن جعفر خامنه‌ای است:

امید عزم تو را رهبر ای شباب نشیط  
چراغ راهت رخشنده کوکب آمال  
تو ای مبارز بااحتشام استقبال  
برو بکوش و مترس از مخاطرات محیط

از این محیط عفن یک قدم فراتر نه  
که انکشاف کند بر تو یک جهان نوین  
جهان مجد و شرف نشئه بهشت‌آیین  
ز عیش قرن در آن یک نفس کشیدن به

از این هوای ملوث، فضای تیره و تار  
شتاب کن سوی یک نزهه‌گاه جان‌پرور  
مدام پیش برو هیچ‌جا مگیر قرار  
در آسمان تعالی همی گشا شهپر

نزیدت قفس ای شاه‌باز، کن پرواز  
بران ز عرصه جولان خویش زاغ و زغن  
قلمرو کهن اکنون ز نو مسخر ساز  
لوای فتح به کاخ رفیع حشمت زن

برون شتاب ز ظلمت‌سرای یأس و خمول  
به جلوه‌گاه هنر جامه تجلد پوش  
چو زیست خواهی، فردا از آن توست، بکوش

همی بکوش، ز سعی و عمل مباحش ملول  
که عزم ثابت و حس شرف، سمو مرام  
ضمان نیل مرادست و کامیابی تام  
(همان: ۲۲)

اما این سانت تفاوت‌های قابل توجهی با انواع مختلف سانت اروپایی دارد؛ تفاوت نخست این است که این سانت، برخلاف انواع یادشده این نوع شعر، به جای چهار بند، شش بند دارد و این دو بند اضافی بندهای چهارمصراعی است که در ادامه دو بند چهارمصراعی نخست آمده است که با این توصیفات، نه با سانتی چهاردهمصراعی، بلکه با سانتی بیست و دومصراعی مواجه هستیم.

ویژگی دیگر این شعر این است که قافیه‌چینی آن با هیچ کدام از انواع سانت هم‌خوانی کامل ندارد. دو بند اول این شعر دارای قافیهٔ حلزونی و دو بند دوم دارای قافیهٔ زنجیری است. بندهای سه‌مصراعی پایانی نیز قافیه‌بندی متفاوتی دارند.

سانت بعدی نیز از رفعت است و عنوان آن «ای جوان ایرانی» است. این شعر رفعت معروف‌ترین شعر اوست و بسیاری از محققان عرصهٔ شعر معاصر فارسی هر جا سخنی از رفعت به میان آورده‌اند، این شعر را برای نمونهٔ اشعار او ذکر کرده‌اند:

برخیز، بامداد جوانی ز نو دمید  
آفاق خُهر را لب خورشید بوسه داد  
برخیز، صبح خنده‌نثارت خجسته باد  
برخیز، روز ورزش و کوشش فرا رسید  
  
برخیز و عزم جزم کن، ای پور نیک‌زاد  
بر یأس تن مده، مکن از زندگی امید  
باید برای جنگ بقا نقشه‌ای کشید  
باید چو رفته رفت، به آینده رو نهاد  
  
یک فصل تازه می‌دمد از بهر نسل نو  
یک نوبهار بارور، آبستن درو  
برخیز و حرز جان بکن این عهد نیک‌فال

برخیز و باز راست کن آن قد تهمتن  
برخیز و چون کمان که به زه کرد شست زال  
پرتاب کن به جانب فردات جان و تن  
(همان: ۲۴)

این سانت رفعت با دو سانت قبلی او، به جز با یک تفاوت، یکسان است. آن یک تفاوت هم این که در بند دوم این شعر قافیه‌های aa برخلاف بند نخست در مصرع‌های دو و سه و قافیه‌های bb در مصرع‌های یک و چهار آمده است (baab).  
سانت پایانی بازهم سروده رفعت است و ساختار آن از هر جهت مثل سانت قبلی است. در بند دوم این سانت نیز قافیه‌های a و b جابه‌جا شده‌اند. این شعر با این مصراع آغاز می‌شود:

شبی که عجز وفاکار و جهد قاصر من ...

نشریه مهم دیگری که در آن به قالب سانت توجه فراوانی شده و نمونه‌های قابل توجهی از این نوع شعر در آن آمده نشریه آزادستان است. این نشریه را نیز، هم‌چون تجلد، تقی رفعت در تبریز منتشر می‌کرد. آزادستان، برخلاف تجلد، نشریه‌ای صرفاً ادبی است و در صفحه نخست شماره‌های آن این عبارت دیده می‌شود: «مجله‌ای است هواخواه تجلد در ادبیات».

از این نشریه مهم، که از نخستین تلاش‌ها و تجربه‌ها در حوزه تجلد ادبی ایران است، بیش از چهار شماره منتشر نشد و با سرکوب نهضت خیابانی و مرگ رفعت آزادستان نیز به پایان راه خود رسید. در این جا، به‌عنوان نمونه، شماره دوم این نشریه را بررسی می‌کنیم.

در شماره دوم آزادستان، که در تاریخ ۱۵ سرطان ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است، چهار سانت وجود دارد. از این چهار سانت، سانت‌های اول و دوم تا حد زیادی شبیه به نوع فرانسوی است و ترتیب قافیه‌های آن‌ها چنین است: abba-cddc-eef-gfg. تفاوت این دو سانت با نوع فرانسوی این است که کوتاه‌ترین دوم آن‌ها با کوتاه‌ترین نخست هم‌قافیه نیست. نام سراینده‌گان این دو شعر به ترتیب احمد اسکویی و کلاهی است.

سانت سوم در دو بند چهارمصرعی نخست مثل دو سانت قبلی است، اما ساختار قافیه در دو بند سه‌مصرعی آخر آن به گونه‌ای متفاوت (eff-geg) است:

ای مهر درخشان مدرخش اندر گردون  
بگذار که تاریکی شب گشته مسلط  
خاموش شود نغمه چنگ و نی و بربط  
نابود و نگون سار شود بخت همایون

ای باد گذر کن تو بر این دنیی اَدنا  
با لشکر خون خوار خزان‌های غم‌انگیز  
هر برگ درختی که بود سبز فرو ریز  
صد مرده پژمرده به هر مرده بیفزا

آن جام تو بشکن، شکن آن ساغر زرین  
کاندر شب اشراف بلافاصله هر شب  
از خون دل برزگران بود لبالب

ده جاه و حشم، کاخ و سراشان همه بر باد  
خوان طرب و عیش به هر جاست فروچین  
از قید ستم نوع بشر را بکن آزاد

(نشریه آزادیستان ۱۲۹۹: ۲۱)

شاعر این سانت «هامی» نام دارد.  
اما آخرین سانت این شماره از آزادیستان از خود رفعت است و «تفسیر عشق» نام دارد.  
این سانت هم، مثل اغلب سانت‌های رفعت، در نوع فرانسوی سروده شده است:

تو را دوست می‌دارم از بهر آن  
که چشمت سیاه است چون بخت من  
به آن هر دو دل بسته‌ام سخت من  
ندارم غم از مهر یا قهرشان

غضب‌ناک باشند و گر مهربان  
نرانم در آن باب هرگز سخن  
نه حظ از سعادت، نه خوف از محن

نه امید دارم نه بیم از جهان

ولیک آن خیال ملالت نمون

که در مالخلیای عشق و جنون

دمادم به چشم من آید پدید

خیالی که معبود عشق من است

بسان تو دارای ... ای دخت شید

همان چشم‌های سیاه است و مست

(همان: ۲۲)

در پایان بحث، لازم می‌دانم توضیح مختصری هم درباره علت وجود بعضی تفاوت‌ها میان نمونه‌های فارسی سانت و اشکال اصلی اروپایی آن‌ها بدهم. باید بگوییم که وجود این تفاوت‌ها کاملاً طبیعی است: همان‌طور که در اوایل بحث نیز گفتم، سانت در ورود به ادبیات هر کشوری تغییراتی کرد و این تغییرات، بدون تردید، نتیجه ذوق و سلیقه ادبی متفاوت شاعران آن سرزمین‌ها بوده است. طبیعی است که این قالب در ورود به حوزه شعر فارسی نیز از همین قاعده پیروی کرده باشد؛ مخصوصاً این‌که اگر نگوئیم همه، لاقلاً تعدادی از شاعران متجدد این دوره با انواع مختلف این نوع شعر در اروپا آشنا و شاهد تفاوت‌های میان آن‌ها بوده‌اند که رفعت و خامنه‌ای جزء این قبیل شاعران بوده‌اند. اینان، با مشاهده گونه‌های متنوع این نوع شعر، دست خود را نیز برای سرودن اشکال دیگر در این فرم آزاد دیده‌اند. دلیل دیگر این امر نیز تأثیراتی است که این شعرای ایرانی از شاعران ترک در زمان خود پذیرفته بودند که مجال طرح آن در این جا نیست.

#### ۴. نتیجه‌گیری

شعرای انقلابی عصر مشروطه با شور بی‌پایان نوگرایی ادبی‌ای که در سر داشتند تلاش می‌کردند به هر نحوی که شده است راه نوی را پیش پای ادبیات ایران بکشایند و در همین راستا تلاش‌های فراوانی نیز انجام دادند که تحول در فرم شعر فارسی، از جمله سرودن شعر در قالب‌های اروپایی، از نمونه‌های مهم این تلاش‌ها بود. آنان با این روش می‌کوشیدند، به موازات تجدید سیاسی - اجتماعی و فرهنگی روزگار خود، ادبیات سرزمین خود را نیز به اروپا پیوند بزنند.

با مرگ تقی رفعت، که برجسته‌ترین نظریه‌پرداز تجدد ادبی ایران در روزگار قاجار بود، و نیز شکست قیام خیابانی و برچیده‌شدن نشریاتی هم‌چون *تجدد* و *آزادستان* و پراکنده‌شدن دیگر هواخواهان تجدد ادبی ایران آن روزگار سرودن شعر در قالب‌های اروپایی تا حد زیادی متوقف شد و کسی به‌صورت جدی دنباله آن را نگرفت. هرچند شعرهایی که شعرای انقلابی مکتب تجدد در تبریز در قالب‌های شعری اروپایی سروده‌اند از جهت ارزش ادبی چندان قابل توجه نیستند، اما بیان‌گر اشتیاق زایدالوصفی است که آنان در امر نوجویی ادبی داشتند و همین قبیل تجربه‌ها و آزمون و خطاها زمینه را برای تحول ادبی در ایران هموار کرد و به‌جرت می‌توان گفت نیما یوشیج و تئوری‌های او در این زمینه محصول این تجربه‌ها بوده است.

### کتاب‌نامه

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۴)، *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ابجدیان، امراله (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبیات انگلیس*، ج ۳، شیراز: دانشگاه شیراز.
- بخشی، حسین (۱۳۹۳)، «بررسی سه نوع جدید قافیه در شعر مشروطه»، *ادبیات پارسی معاصر*، س ۴، ش ۳.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۱، ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
- پرین، لورانس (۱۳۷۹)، *ادبیات انگلیس، شعر، عناصر شعر*، ترجمه حسن سلیمانی و مژگان حسن‌زاده، قم: بخشایش.
- داد، سیما (۱۳۹۰)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، ج ۱، تهران: مرکز.
- صورتگر، لطفعلی (۱۳۴۸)، *تاریخ ادبیات انگلیس از سده چهارم تا سده هجدهم میلادی*، تهران: دانشگاه تهران، نشریه *آزادستان* (سرطان ۱۲۹۹)، ش ۲، ۱۵.
- نشریه *تجدد* (۱۲۹۷ ش)، فوق‌العاده نروزی.

- Abrams, M. H. (2006), *A Glossary of Literary Terms*, Eighth edition, Tehran: Jungle Publications.
- Callaghan, Dymrna (2007), *Shakespeares Sonnets*, Oxford: Blackwell Publishing.
- Drabble, Margaret (ed.) (2000), *The Oxford Companion to English Literature*, vol. 2, Sixth Edition, New York: Oxford University Press.
- Stephen, Martin (1984), *An Introductory Guide to English Literature*, Hong Kong: Longman York Press.